



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

دین از جمله مفاهیم مهمی است که در همه‌ی اعصار، تمام انسان‌ها با هر گرایش فکری و عقیده‌ای با آن درگیر بوده‌اند. امروزه نیز این مفهوم از مفاهیم درخور توجه و قابل دقتی است که موضوع و محور اصلی بسیاری از علوم، نظیر دین‌پژوهی، فلسفه‌ی دین، معرفت‌شناسی دینی و... قرار گرفته است. صاحبان این علوم هریک بر اساس مبانی نظری خود تعریف‌های متفاوتی از آن ارائه نموده‌اند. به گونه‌ای که مفهوم دین همواره در میدان آراء و نظرات گوناگون قرار گرفته و پیوسته دستخوش تعریف‌های متفاوت و متناقض بوده است. این گوناگونی در تعریف تا حدی است که به دست آوردن یک توافق مشترک درباره‌ی این مفهوم را بسیار مشکل ساخته است. از این‌رو عده‌ای منکر امکان تعریفی واحد برای دین، به نحوی که مانع اغیار و جامع افراد باشد، هستند.

علاوه بر ابهام و گوناگونی در تعریف‌های بشری، در ذیل کاربردهای قرآنی این واژه نیز، معانی متفاوت و گوناگونی بیان شده است. به طوری که تعبیر گوناگون مفسران و لغت‌شناسان قرآنی، این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که حقیقتاً معنای واقعی دین در قرآن کریم چیست؟ و با وجود اختلاف مفسران درباره‌ی معنای قرآنی این واژه و وجوه گوناگونی که هریک از آنان بیان کرده‌اند، دستیابی به معنای واقعی این واژه چگونه ممکن است؟

برای نیل به پاسخ این قبیل پرسش‌ها، سعی بر آن است تا به دور از پیش‌داوری‌ها و نظرات دیگران، خود را مخاطب مستقیم آیات قرآن کریم قرار داده و بر اساس روش معناشناسی، با توجه به سیر تطور معنای دین در طول تاریخ تا زمان نزول قرآن کریم و نیز دقت در کاربردهای قرآنی و با تعیین حوزه‌های معنایی و روابط معنایی، گستره‌ی معنایی این واژه و معنای دقیق آن، در قرآن کریم به دست آید.

درباره سابقه‌ی پژوهشی پیرامون معنای دین، سه دسته از منابع باید مورد توجه قرار گیرند:

نخست کارهای انجام گرفته درباره معنای دین در قرآن کریم که در قالب منابع «وجوه و نظائر» و «معانی القرآن» و عموم تفاسیر است و ذیل آیات مربوط به دین، معانی متفاوت و بسیاری برای دین بیان کرده‌اند.

دوم آثاری مانند «شریعت در آینده معرفت» از عبدالله جوادی آملی، «مدخلی بر کاوش در تاریخ ادیان» نوشته محمد عبدالله دراز، «کلام جدید» عبدالحسین خسروپناه و موارد دیگری از این دست که به مناسبت ورود به بحث خود، معنای دین را بررسی کرده‌اند.

سوم تک‌نگاشته‌هایی مانند کتاب «دغدغه‌های فرجامین» نوشته علی طهماسبی که در پژوهشی تاریخی به معنای قرآنی دین هم پرداخته است و کتاب «معناشناسی واژه دین در قرآن کریم»، نوشته محمدمهدی تقدیسی که با به کارگیری روش معناشناسی در حوزه‌ی مطالعات قرآنی، به تبیین معنای دین و ارتباط معنایی آن در حوزه‌های به ظاهر متفاوت دین پرداخته است. اما با این حال تاکنون مقاله‌ای با رویکرد معناشناسی در تبیین معنایی دین نگاشته نشده و اهمیت و جایگاه این مفهوم و عدم توافق بر سر معنای آن، نیاز به تحقیقات دیگر در این زمینه را در جهت وضوح معنای این واژه برطرف نمی‌کند. از این رو پژوهش حاضر مدعی است علاوه بر به تصویر کشیدن قلمرو و حوزه‌های معنایی، با تبیین مؤلفه‌های معنایی این واژه در قرآن کریم، درصدد واگشایی مفهوم قرآنی دین خواهد بود.

۱. معنای لغوی، ریشه‌شناسی، تطور معنایی

واژه‌ی دین در کتاب‌های لغت به دو صورت آمده است:

مؤلفه‌های معنایی واژه دین در قرآن کریم / نرگس بزرگ‌خو ۱۷

۱. به فتح دال، که مصدر است و جمع آن «آدین» و «دُیون» و به معنای بدهکاری و مال واجبی که به خاطر عهد یا قرض در ذمه‌ی فرد است، به کار رفته است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۳/۱۶۶).

۲. به کسر دال، که جمع آن «آدیان» است و لغت‌شناسان معانی مختلف و بسیاری برای آن برشمرده‌اند که از جمله‌ی آن عبارت است از: جزا و مکافات، عادت و شأن، قضا و حکم، انقیاد و ذُلّ، قهر و غلبه و استعلاء، سلطان، ملک، حساب، حال، تدبیر، توحید، طاعت، ملت، چیزی که معبود به واسطه‌ی آن اطاعت می‌شود (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰: ۷۳/۸؛ جوهری‌فارابی، ۱۴۱۸: ۱۵۵۶/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۲۳؛ ابن‌قتیبه، ۱۳۹۳: ۴۵۳؛ ابن‌فارس، ۱۴۲۰: ۴۲۸/۱؛ شرطونی، ۱۳۷۴: ۲۸۳/۲؛ واسطی زبیدی ۱۴۱۴: ۲۱۵/۱۸؛ مقدی قیومی، ۱۴۰۵: ۱/۲۰۵).

درباره تاریخچه و اشتقاق این واژه در زبان‌های بشری برخی از لغت‌شناسان عرب و نیز خاورشناسان به این قائل‌اند که این واژه از زبان‌هایی چون فارسی باستان-پهلوی و اوستایی- و عبری گرفته شده و ریشه‌ی عربی ندارد (ر.ک: ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۳/۱۶۹؛ ثعالبی، ۱۴۱۷: ۲۷۴؛ جوادعلی، ۱۹۷۸: ۶/۶؛ مشکور، بی‌تا: ۱/۲۶۱؛ جفری ۱۳۷۲: ۲۰۷ و ۲۰۸) در مقابل گروهی این واژه را عربی دانسته و به توضیح معانی آن در محدوده‌ی زبان عربی پرداخته‌اند. (درّاز، ۱۳۷۶: ۵۷؛ ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۲۸۵).

به نظر می‌رسد در مجموع بتوان گفت، دین واژه‌ای اصیل در زبان‌های مختلف بشر بوده و در میان اقوام مختلف استعمال شده و در زبان عربی نیز در معانی یاد شده، به کار می‌رفته است. حال این کاربردها یا از زبان‌های دیگر وارد ادبیات عرب کهن شده و یا ریشه در خود زبان عربی داشته است. در فرض نخست این اتفاق در زمانی بسیار

دور رخ داده، آن‌چنان‌که دیگر جزئی از این زبان درآمده است و شاهد آن نمونه‌های فراوان استعمال این واژه در اشعار جاهلیت می‌باشد. در صورت دوم نیز شباهت موجود در مورد واژه‌ی دین در میان زبان‌های مختلف بشری، نکته‌ای جالب و قابل تأمل است.

در بررسی تطورات معنای دین در پیش از عصر نزول قرآن کریم نیز ردپای معنایی آن در متون یهودی، زرتشتی و اشعار عرب کهن قابل پیگیری است. در متون کهن یهودی معنای داوری و جزا آمده که از داوری در نیازهای ابتدایی و مادی تا تأمین نیازهای اساسی و عمیق انسانی در این جهان، تا اعتقاد به داوری پس از مرگ دیده می‌شود (ر.ک: کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب ۳۰، بند ۱ تا ۷ و سفر داوران، باب ۱۸، بند ۷؛ راب. ا، ۱۳۵۰: ۳۷۷؛ طهماسبی، ۱۳۷۹: ۲۲).

در اوستا و متون زرتشتی، گاهی به معنای یک حس باطنی و درونی نادیدنی برای تشخیص نیک و بد (دوستخواه، ۱۳۷۵: ج ۱، گاهان یسنه، هات ۳۱، بند ۱۱ و هات ۳۳، بند ۶ و ۱۳ و هات ۴۶، بند ۱۷ و هات ۴۹، بند ۹) و گاهی برای اشاره به چیزهای مادی و قابل رؤیت، مانند مجموعه‌ی مکتوبات اوستا، مراسم، مناسک و عبادات به کار رفته است (عفیفی، ۱۳۸۷: ۹). علاوه بر آن، معنای داوری و پاداش و جزا در عالم پس از مرگ (عفیفی، ۱۳۸۷: ۳۲) نیز مشاهده می‌شود.

در اشعار عرب جاهلی، معانی عادت و رسم (ساعده بن جویه، ۱۳۸۵: ۲۳۶/۱)، داوری و جزا (ابی تمام، بی تا: ۳۰) و فرمانبرداری و اطاعت (قرشی، ۱۴۱۹: ۴۴۰/۱) آمده است.

۲. حوزه‌های معنایی^۱ دین در قرآن

واژه‌ی دین - به کسر دال - به همراه مشتقاتش، ۹۵ بار در قرآن کریم به کار رفته است. این موارد در ۲۶ سوره‌ی مکی و ۱۴ سوره‌ی مدنی و به طور کلی ۸۷ آیه‌ی قرآن کریم استعمال شده است.

با توجه به کاربردهای مختلف واژه‌ی دین در قرآن کریم، می‌توان آن را در دو حوزه‌ی مجزا ارزیابی نمود؛ «حوزه‌ی این‌جهانی دین» مربوط به تمام آیاتی است که دین را در عرصه‌های مختلف این‌جهانی به تصویر می‌کشد و «حوزه‌ی آخرتی دین»، شامل آیاتی می‌شود که واژه‌ی دین را در عرصه‌ی قیامت و عالم پس از مرگ به کار برده است.

۳. حوزه آخرتی

واژه‌ی دین در برخی آیات، در حوزه‌ی آخرت و عالم پس از مرگ آمده که در اکثر این موارد با تعبیر «یوم‌الدین» به کار رفته است. نمونه‌ی آن در آیه‌های: «يَسْئَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ» (ذاریات/۱۲) و «هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ» (واقعه/۵۶) مشهود است. در مواردی نیز هرچند با واژه‌ی «یوم» همنشین نشده، اما با توجه به سیاق آیات قبل و بعد و فضای کلی سوره‌ای که در آن به کار رفته، آشکار می‌شود که منظور از دین، «یوم‌الدین» است: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ» (ماعون/۱).

علمای اهل لغت و همهی مفسران «یوم‌الدین» را روز قیامت می‌دانند. برخی قائل‌اند که دین به معنای «جزا» و «یوم‌الدین» روز جزاست (رک: ابن منظور، ۱۴۱۴:

۱. در مطالعه‌ی معناشناسی زبانی، منظور از حوزه‌ی معنایی، مجموعه‌ای از واژه‌هایی است که به دلیل ویژگی‌هایی مشترک به هم نزدیک شده‌اند و در یک حوزه قابل بررسی گردیده‌اند (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۰۳).

۱۶۹/۱۳؛ سیدبن قطب، ۱۴۱۲: ۲۴/۱؛ ابن قتیبه، ۱۳۹۳: ۳۹/۱؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۷۱/۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵/۱ و میبیدی، ۱۳۷۱: ۱۴/۱؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۸۲/۱؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۱۰۰/۱؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۴۱ / ۱؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۸/۱. اما بعضی گویند دین به معنای «حساب» و «یوم‌الدین»، روز حساب رسی است (رک: قرشی، ۱۳۷۱: ۲، ۳۸۰/۲؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲۸/۱؛ بلخی، ۱۴۲۳: ۳۶/۱).

تعبیر «روز جزا» با معنای پیش از اسلامی این واژه سازگاری دارد و این معنا برای مخاطبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تعبیری آشنا و قابل درک بود و معنای جدیدی نبود که اسلام برای آنان آورده باشد. زیرا تطورات معنایی آن نشان داد، اعتقاد به پاداش و جزا در جهان پس از مرگ در نوشته‌های کهن یهودی، در متون زرتشتی و نیز در میان اعراب پیش از اسلام، مطرح بوده است.

بررسی تاریخی آیات این حوزه حکایت از آن دارد که تمام «یوم‌الدین»‌های قرآن کریم در سوره‌های مکی واقع شده است. بنابراین توجه به خصوصیات کلی سوره‌های مکی از جمله کوتاهی آیات، تأکیدهای فراوان، لحن پر شور و شدید و تقریر عقاید اساسی توحید، نبوت و اصل معاد و برانگیخته شدن و دعوت مردم به اصول اخلاقی (حسین احمد، ۱۴۲۰: ۱۶۸/۱-۱۷۰) و نیز ترتیب و زمان نزول سوره‌هایی که حوزه‌ی آخرتی دین را در بردارند، در فهم این معنا راه‌گشاست.

معنای داوری و جزا، در فضای سوره‌های مکی که بسیار به بیان ویژگی‌های روز قیامت و ترسیم آن واقعه‌ی هولناک پرداخته، شفاف‌تر می‌شود؛ از جمله خصوصیات «یوم‌الدین» که در پرتو این آیات آشکار می‌شود، عبارت است از روزی که، دوزخیان آن را تکذیب می‌کردند و باور نداشتند و به دلیل تکذیب آن، گرفتار عذاب می‌گردند. اما مؤمنان آن روز را باور داشته و برای آن امید بخشش از پروردگار خود دارند.

مؤلفه‌های معنایی واژه دین در قرآن کریم / نرگس بزرگ‌خو ۲۱

مالکیت آن روز از آن خداوند است. وقوع آن قطعی است و بسیاری از زمان وقوعش سؤال می‌کنند. ولی حقیقت آن را کسی نمی‌داند. با این حال تکذیب‌کنندگان زیان می‌بینند. خلاصه حقیقت «یوم‌الدین» آن است که آن روز هیچ‌کس، هیچ اختیاری ندارد و در آن روز، فرمان از آن خداوند است.

۴. حوزه‌ی این جهانی دین

حوزه‌ی این جهانی دین در قرآن بسیار متنوع است و آیات مرتبط از موضوعات مختلفی پیرامون دین در این حوزه سخن گفته‌اند. برخی از این آیات را در قالب موارد زیر می‌توان دسته‌بندی نمود:

- آیاتی که به توصیف ویژگی‌های دین در قرآن کریم، پرداخته است: (نساء/۱۲۵؛ انعام/۱۶۱؛ یونس/۱۰۵)
- آیاتی که پیروزی دین حق بر همه‌ی ادیان را وعده می‌دهد. مانند: (توبه/۳۳؛ فتح/۲۸؛ صف/۹)
- آیاتی که شامل کارهای خداوند برای دین است؛ از جمله: (بقره/۱۳۲؛ مائده/۳؛ توبه/۳۳)
- آیاتی که به ویژگی دین منافقان اشاره فرموده، مانند: (آل عمران/۲۴؛ انعام/۱۵۹؛ روم/۳۲)
- آیاتی که از اخلاص مؤمنان در دین خبر می‌دهد: (زمر/۱۱ و ۱۴؛ غافر/۱۴ و ۶۵)

بررسی تاریخی سوره‌ها حکایت از آن دارد که دین در حوزه‌ی این جهانی در سوره‌های مکی و مدنی به کار رفته و فراوانی کاربرد آن در سوره‌های مدنی بیشتر

است. به طوری که در سوره‌های مکی ۲۷ مرتبه و در سوره‌های مدنی ۴۵ مرتبه، استعمال شده است.

۴-۱. مطالعه در زمانی دین در حوزه این جهانی

مطالعه تاریخی «حوزه‌ی این جهانی دین» نمایانگر آن است که دین در این حوزه، معنای کلی و عامی دارد. زیرا از سویی قرآن کریم دین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را که دارای ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های ظریفی است، دین نامیده و از سوی دیگر درباره‌ی کافران و مشرکان و اهل کتاب که عقایدی متفاوت از مسلمانان داشتند، تعبیر دین را به کار می‌برد. علاوه بر آن در سیر تاریخی بعد از اسلام، مفهوم دین در خود جامعه‌ی اسلامی از ویژگی‌ها و پیچیدگی‌هایی برخوردار گردیده است.

اولین کاربرد واژه‌ی دین در این حوزه، مربوط به سوره‌ی «کافرون» است. این سوره هجدهمین سوره‌ی است (معرفت، ۱۳۸۱: ۹۰) که در سال نخست در مکه نازل شد (نکونام، ۱۳۸۰: ۳۰۸). بحث اصلی این سوره، اعلام موضع صریح پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) درباره‌ی جدایی معبود وی از معبود کافران است و با این موضع دین خود را کاملاً از دین آنان جدا می‌کند. در سوره‌های قبل به خصوص سوره‌ی «حمد»، به معرفی پروردگار و معبود حقیقی پرداخته شده و در سوره‌هایی که به دنبال سوره‌ی «حمد» نازل شده، راه رستگاری و سعادت بیان گردیده و نسبت میان نعمت‌ها، پروردگار و انسان را تنظیم نموده است. به عبارت بهتر، قرآن کریم در ۱۷ سوره‌ی گذشته به بیان اجمالی رابطه‌ی انسان با خدا، رابطه‌ی انسان با خود، رابطه‌ی انسان با دیگران و رابطه‌ی انسان با نعمت‌های هستی پرداخته و با محوریت ربوبیت خداوند به تنظیم دیگر روابط اهتمام ورزیده است. بر اساس این معارف بلند، دین

مؤلفه‌های معنایی واژه دین در قرآن کریم / نرگس بزرگ‌خو ۲۳

نوبنی مطرح شده که با دین جاهلی و پذیرفته‌ی مکیان متفاوت است. در این سوره، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که خود اولین گرونده به این دین و اسوه و الگوی دیگران است، مأمور اعلام موضع متفاوت خود از مشرکان در مورد بندگی موحدانه و دین جدید گردیده، تا هدف ایشان به طور رسمی از کافران جدا شود (بهجت‌پور، ۱۳۸۷: ۴۵۷ و ۴۵۸).

در سایر سوره‌های مکی که روی سخن پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با مشرکان و کافران مکه است، در آیات بسیاری به توصیف ویژگی‌های دین آنان پرداخته (اعراف/۵۱؛ انعام/۱۳۷ و ۱۵۹)، بر اصل توحید در دین، یا عبادت خداوند یکتا به جای عبادت بت‌ها و اخلاص در دین تأکید شده است (یونس/۲۲؛ لقمان/۳۲؛ زمر/۱۱، ۳، ۲؛ غافر/۱۴ و عنکبوت/۶۵).

اما اسلوب سوره‌های مدنی، برهان و حجت بر اهل کتاب و منافقان است و به بیان حال منافقان پرداخته و جزئیات تشریح و تفصیل احکام را بیان نموده و شامل دعوت اهل کتاب به اسلام و تقریر شرایعی که دین را کامل می‌کند، است (حسین احمد، ۱۴۲۰: ۱۷۱/۱). این که اهل کتاب در دین خود غلو می‌کنند (نساء/۱۷۱؛ مائده/۷۷)، دچار غرور در دین گشته‌اند (آل عمران/۲۴)، در جستجوی دینی غیر از دین خداوند هستند (آل عمران/۸۳)، قرآن مؤمنین را از دوستی با افرادی که دین آنان را استهزاء می‌کنند، نهی می‌کند (مائده/۵۷). دین برگزیده‌ی خداوند «اسلام» است (بقره/۱۳۲) و تنها رمز سعادت در تسلیم در برابر حق خلاصه می‌شود. (آل عمران/۱۹ و ۸۵)

بنابراین متفاوت از سوره‌های مکی که به مقایسه‌ی دین پیامبر با دین کافران، بیان ویژگی‌های دین کافران و تأکید بر خالص نمودن دین از هر شائبه و شرک می‌پرداخت، در سوره‌های مدنی دین اهل کتاب و منافقان مورد ارزیابی قرار گرفته و با تأکید بر

انقیاد و تسلیم، دین پذیرفته نزد خداوند معرفی می‌شود. نیز جزئیات احکام و مسائل دین بیان می‌شود.

۲-۴. مطالعه هم‌زمانی حوزه این‌جهانی دین

برای کشف معنای دین، لازم است علاوه بر مطالعه تاریخی و در زمانی، بر اساس مطالعه هم‌زمانی و معناشناسی توصیفی نیز گستره‌ی معنایی واژه، از طریق روابط معنایی^۱ مورد ارزیابی گیرد و واژگان مرتبط با دین بررسی شوند.

۲-۴-۱. شمول معنایی^۲

دین در قرآن کریم مفهوم عامی است که تمام کاربردهای دیگر آن از نوع زیرشمول‌های آن هستند. اما از آن‌جا که بسیاری از این زیرشمول‌ها در رابطه‌های معنایی دیگر نیز مورد توجه قرار می‌گیرند، برای پرهیز از تکرار، در این بخش تنها مهم‌ترین این زیرشمول‌ها که در فهم رابطه‌ی شمولی راه‌گشا هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. هر یک از واژه‌های «اسلام»، «دین حق»، «دین الله»، «دینکم» و «دینهم» در قرآن کریم نوعی دین به حساب می‌آیند و دقت در مؤلفه‌های معنایی و ویژگی‌های هر یک از این زیرشمول‌ها، راه دست‌یابی به مؤلفه‌های معنایی واژه‌ی شامل-دین- را هموارتر می‌سازد. بنابراین بررسی هر یک از زیرشمول‌ها در قرآن کریم و تصویر رابطه‌ی شمولی آن‌ها، دریچه‌ای به سوی فهم آسان‌تر این مسأله می‌گشاید.

۱. منظور از روابط معنایی، انواع روابطی است که در نظام معنایی میان مفاهیم زبانی به چشم می‌خورد که شمول معنایی، هم معنایی، چندمعنایی، تقابل معنایی، همنشینی و جانشینی شناخته‌ترین این روابط به شمار می‌آیند.

۲. رابطه‌ی «شمول معنایی» اسلوبی است که طی آن، خود زبان، واژه‌ها را طبقه‌بندی می‌کند (چسون، بی تا: ۱۲۸).

اسلام

«اسلام» در لغت به معنای «انقیاد، تسلیم شدن و اظهار خضوع» است و به طور خاص به اظهار خضوع و التزام در برابر آن چه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آورده، «اسلام» گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۳/۱۲).

در تعبیر قرآنی، اسلام به دو صورت «اسم ذات» و «اسم جنس» به کار رفته که هر دو معنای آن در حوزه‌ی معنایی دین دخیل است. اسلام هر چند مخصوص شریعت حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله شده)، ولی از نظر قرآن کریم، تمام ادیان اسلام‌اند و پیامبران از مردم جز تسلیم شدن به خداوند و انقیاد، چیزی نخواسته‌اند.

بنابراین هر زمان در قرآن کریم درباره‌ی اسلام امت‌های گذشته سخن به میان آمده، منظور، اسلام به معنای «اسم جنس» بوده که مطلق انقیاد و تسلیم است و به این معنا، دین حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) و همه‌ی انبیاء الهی، اسلام است. چرا که وقتی مثلاً قرآن کریم می‌فرماید؛ ابراهیم (علیه‌السلام) یهودی و مسیحی و مشرک نبود، بلکه مسلمان بود (آل عمران/۶۷). بدیهی است که دین اسلام به معنای «اسم ذات» هنوز در زمان ابراهیم (علیه‌السلام) پدید نیامده و اسناد آن به وی درست نمی‌باشد. بلکه در این جا، اسلام به معنای «اسم جنس» که گویای روح تسلیم است مورد نظر بوده است (بقره/۱۳۲). اما در مواردی که اسلام به عنوان «اسم ذات» به کار رفته، دین پیامبر خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مورد نظر بوده است. آیه‌ی ۳ سوره‌ی مائده که درباره‌ی اکمال دین مسلمانان و اتمام نعمت برای آنان است، از این جمله است. بر این اساس «اسلام» یکی از مهم‌ترین زیرشمول‌های دین است که در معنای اسم جنسی خود با «دین الله» مطابقت داشته و در صورت اسم ذات بودن، زیر شمولی از «دین الله» و اسلام اسم جنس است.

دین الله

خداوند در توصیف «دین الله» می‌فرماید: اساس دینِ الله، اسلام است (آل عمران/۱۹) و همان‌گونه که منظور از اسلام در این جایگاه، اسلام به معنای اسم جنس، یعنی تسلیم بودن و اتقیاد کامل برای خداوند است، بنابراین حقیقت «دین الله» تسلیم و اتقیاد محض است. به عبارت دیگر «دین الله»، عنوان عامی است که با اسلام به معنای اسم جنس مطابقت دارد و اسلام به معنای اسم جنس در صورتی که فتنه‌ای در آن نباشد از آن خدا و «دین الله» می‌شود (بقره/۱۹۳ و انفال/۳۹). مشخصه‌ی دیگر «دین الله» این است که رأفت نسبت به مجرم در آن روا نمی‌باشد و این مسأله نیز نمودی دیگر از بعد تسلیم در «دین الله» است (نور/۲).

بدین ترتیب، «دین الله» که کفر و شرکی در آن نیست، همان اتقیاد محض و تسلیم کامل در برابر خداوند است؛ به گونه‌ای که عدم رأفت نسبت به مجرمان و احساس وظیفه در اجرای فرامین و احکام این دین نیز، بر اساس همین اتقیاد و تسلیم محض است و این همان دینی است که مردم فوج فوج رو به سوی آن می‌آورند (نصر/۲).

دین حق

در سوره‌ی «توبه» به این نکته اشاره شده که با افرادی که متدین به «دین حق» نمی‌شوند باید وارد جنگ شد و از آن‌ها با خواری غرامت گرفت (توبه/۲۹). سیاق آیات و فضای حاکم بر سوره، حکایت از آن دارد که مصداق «دین حق» در این‌جا، اسلام به معنای اسم ذات است و در این آیه بر ایمان به خدا و روز قیامت و عمل به احکام الهی، تأکید شده است. در سه آیه دیگر نیز، وعده‌ی پیروزی «دین حق» بر پیروزی نهایی «دین حق» تأکید شده است (توبه/۳۳؛ صف/۹؛ فتح/۲۸). بنابراین

مؤلفه‌های معنایی واژه دین در قرآن کریم / نرگس بزرگ‌خو ۲۷

می‌توان گفت مؤلفه‌های «دین حق»، ایمان به خدا و روز قیامت، اجرای احکام الهی و پیروزی نهایی است.

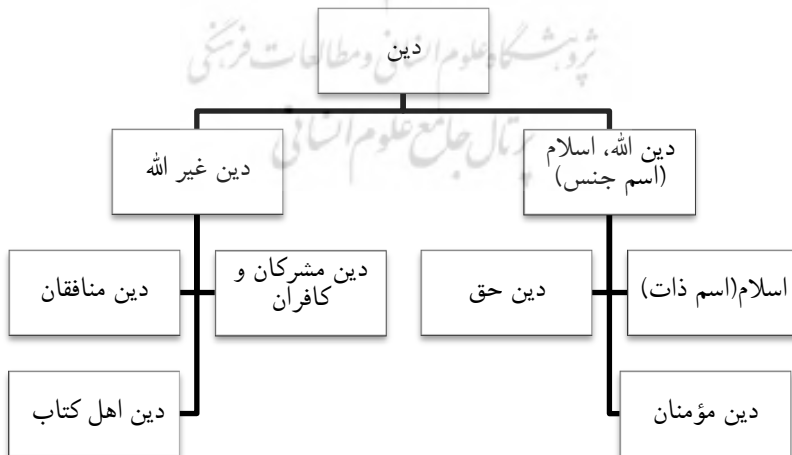
دینکم، دینهم

حالت‌هایی از دین نیز در قرآن کریم با اضافه شدن ضمیر به واژه‌ی دین قابل شناسایی است. گاهی قرآن کریم درباره‌ی دین مخاطبان خود صحبت می‌کند. تعبیر «دینکم» به اهل کتاب (مائده/۷۷؛ انعام/۷۳)، مخاطبان فرعون (غافر/۲۶)، کافران و مشرکان عرب (کافرون/۶) و مؤمنان (مائده/ ۳ و ۵۷؛ توبه/۱۲) اشاره دارد.

در مواردی نیز با «دینهم» به آن‌ها که بهره‌ای از تورات داشتند و در دینشان غرّه شدند (آل عمران/۲۴)، افرادی است که دین را به بازی گرفته و فریفته‌ی زندگی دنیا شده‌اند (انعام/۷۰؛ اعراف/۵۱)، کسانی که دین را پراکنده ساختند (انعام/۱۵۹؛ روم/۳۲)، مشرکان (انعام/۱۳۷) و مؤمنان (انفال/ ۴۹؛ نور/۵۵) حکایت می‌کند.

بر این اساس می‌توان رابطه‌ی شمولی دین در قرآن کریم را بار دیگر این‌گونه

ترسیم نمود:



۴-۲-۲. تقابلی معنایی^۱

حوزهی معنایی دین را بر اساس رابطه تقابلی معنایی نیز می‌توان ارزیابی کرد.

رشد/غی

در کتاب‌های لغت، «رشد» به معنای هدایت یافتن به سوی خیر و صلاح است که در مقابل آن «غی» به معنی فرو رفتن در فساد آمده است (رک: فراهیدی، ۱۴۱۰: ۶/۲۴۲ و ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳/۱۷۵ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۴ و مصطفوی، ۱۳۶۰: ۴/۱۳۹). مادهی «رشد» در قرآن کریم ۱۹ مرتبه به صورت‌های فعلی و اسمی به کار رفته که آیهی ۲۵۶ سورهی «بقره» نمونه‌ای است که این واژه در حوزهی معنایی دین و با تقيض خود واژهی «غی» همراه شده و به صراحت، اکراه بر پذیرش دین را نفی نموده و علت آن را تمایز روشن راه هدایت از راه گمراهی شمرده است.

دین حنیف/شرک

واژهی «حنیف» بر وزن «فَعِيل» از مادهی «حَنَف» - بر وزن هدف- و جمع آن «حنفاء» بر وزن «فُعلاء» (صافی، ۱۴۱۸: ۱۱۱/۱۷) و در لغت به معنای «تمایل پیدا کردن از گمراهی به درستی و راستی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۶۰) و «استقامت و استواری» نیز در ضمن معنای آن آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۷/۹). آرتور جفری این واژه را از واژگان دخیل در زبان عربی و از ریشهی سریانی می‌داند که به معنای کافر و مشرک است (جفری، پیشین: ۱۸۵) و در «المفصل فی تاریخ عرب قبل الاسلام» حنیف به معنای «الصابیء»، یعنی کسی که از دین قومش خارج شده، آمده

۱. منظور از رابطهی «تقابل معنایی» رابطهی میان واژه‌هایی است که رابطهی معکوس با هم دارند (بالمر، ۱۳۶۶: ۱۴۱).

است (علی، ۱۹۷۸م: ۶/ ۴۵۶). بنابراین احتمالاً عرب پیش از اسلام نیز آن را در همان معنای اصلی خود و به عنوان اصطلاحی رایج و معروف برای کسانی که نه بر دین یهود و نصارا بودند و نه بر دین اعراب، اطلاق می‌کردند و این معنا با کاربرد این واژه برای افراد صاحب تفکری که در اخلاق و عادات زشت هم‌عصران خود تأمل می‌کردند و با دیدن عمل لغو بت پرستی، وجدانشان بیدار می‌شد و به یاد ابراهیم (علیه‌السلام) و یکتاپرستی او می‌افتادند و از پرستش بت‌ها کناره می‌گرفتند، مطابقت می‌کند (محمودپور، ۱۳۸۳: ۲۱۶).

بررسی کاربردهای قرآنی این واژه نشان می‌دهد که این ماده ۱۲ بار در قرآن کریم به کار رفته که از این تعداد، هشت مرتبه «حنیف» در تقابل با «شُرک» قرار دارد (بقره/۱۳۵؛ انعام/۷۹؛ انعام/۱۶۱؛ یونس/۱۰۵؛ نحل/۱۲۰؛ نحل/۱۲۳؛ آل عمران/۶۷ و ۹۵؛ حج/۳۱).

دین حق / شرک

از اکراه مشرکان نسبت به پیروزی دین حق (توبه/۳۳ و صف/۹)، تقابل بین دین حق و شرک دریافت می‌شود. علاوه بر آن تقابل بین دین حق و همه ادیان را نیز می‌توان برداشت نمود و این نشانگر ناسازگاری تکثرگرایی دینی با جهان‌بینی قرآن کریم است.

اخلاص در دین / شرک

به تعبیر قرآن کریم، بسیاری از انسان‌ها زمانی که در میان تلاطم دریا، خود را در آستانه‌ی مرگ ببینند و هیچ راه نجاتی برای خود در برابر مرگ نیابند، دینشان را بی‌شائبه و خالص برای خداوند قرار می‌دهند. با این تعبیر، اخلاص در دین در مقابل شرک قرار گرفته است (عنکبوت/۶۵؛ یونس/۲۲؛ لقمان/۳۲).

دین پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - / دین کافران

سوره‌ی «کافرون» تقابل دُبگری را در حوزه‌ی معنایی دین به تصویر می‌کشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به گروهی از کافران مکه می‌فرماید: نه من به عبادت بت‌های شما رو می‌آورم و نه این‌که شما خداپرست خواهید شد، پس دین شما برای خودتان و دین من برای خودم. این سوره، تقابل میان دینکم (دین این کافران) و دینِ (دین پیامبر (صلی الله علیه و آله)) را نشان می‌دهد (کافرون/۶).

۴-۲-۳. همنشینی معنایی^۱

در قرآن کریم، واژگان زیادی در «همنشینی» با واژه‌ی دین به کار رفته‌اند که مهم‌ترین این همنشینی‌ها را می‌توان در قالب چهار دسته‌ی زیر بررسی نمود:

- همنشینی‌هایی که ویژگی‌های دین را در قرآن کریم بیان می‌کنند.
- همنشینی‌هایی که شامل کارهایی که خداوند برای دین انجام داده، هستند.
- همنشینی‌هایی که بیانگر واکنش‌های مؤمنان در مواجهه با دین هستند.
- همنشینی‌هایی که واکنش‌های کافران و منافقان را در برخورد با دین، در بردارند.

ویژگی‌های دین

واژه‌هایی که در قرآن کریم در همنشینی با دین به صورت صفت و ویژگی برای آن به کار رفته‌اند، عبارتند از: «واصب»، «قیم»، «حنیف»، «عدم اکراه» و «عدم جرح».

واصب

«واصب» اسم فاعل از ماده‌ی «وصب و صوباً» و «وصوب» به معنی ثبوت و دوام (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۲۱/۷) و «واصب» به معنای دائم است. این ماده تنها دو بار در

۱. کلماتی که بر روی یک محور قرار می‌گیرند و مکمل یکدیگرند، «رابطه‌ی همنشینی» دارند (باقری، ۱۳۷۴: ۷۰).

قرآن کریم به کار رفته است که در «وَلَهُ الدِّينُ وَاصِباً» (نحل/۵۲) در توصیف دین آمده و مالکیت دین و اصب را از آن خداوند شمرده است. از این همنشینی برمی‌آید، همان‌گونه که مالکیت آسمان‌ها و زمین از آن خداوند است، دین دائم و پایدار نیز از آن اوست. می‌توان گفت ساختمان معنایی واژه‌ی واسب از مؤلفه‌هایی چون دوام، ثبوت، شدت و پایداری تشکیل شده است.

قیم

واژه‌ی «قیم» به معنای «استوار، پابرجا و مستقیم به طوری که در آن انحراف و کجی نباشد»، صفت مشبّه و مشتق از «قام یقوم» است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵/۲۳۲ و ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۰۲/۱۲ و طریحی، ۱۳۷۵: ۱۴۳/۶). این واژه هشت مرتبه در قرآن کریم آمده است و بیشترین همنشینی را با واژه‌ی دین داراست.

در سوره‌ی «روم» دستور روی آوردن به دین حنیف داده شده و می‌فرماید: دین قیم، همان دین حنیفی است که فطرت انسان‌ها را بر اساس آن سرشته‌اند. بنابراین بین دین حنیف و دین قیم رابطه‌ی این‌همانی برقرار است (روم/۳۰). آیه‌ای دیگر، دین قیم را پرهیز از پرستش غیر خود معرفی نموده است (یوسف/۴۰). این معنا در سوره‌ی «بینه» کامل‌تر بیان می‌شود. بدین ترتیب که دین قیم عبارت از پرهیز از پرستش غیر خدا و اخلاص در دین، دوری از شرک و برپایی نماز و پرداختن زکات است (بینه/۵). اما تعریف دین قیم در سوره‌ی «توبه» متفاوت از موارد پیش است و مراد از آن دین قیم دوازده‌گانه بودن ماه‌ها در نزد خداوند است (توبه/۳۶). در سوره‌ی «انعام» نیز «دیناً قِیماً» صراط مستقیم و آیین ابراهیم حنیف (علیه السلام) است (انعام/۱۶۱).

بنابراین دین قیم با «صراط مستقیم» و «آیین ابراهیم حنیف (علیه السلام)» رابطه‌ی مستقیم و در هم تنیده‌ای دارد. دین قیم در واقع همان سرشتی است که خداوند در نهاد

بشر قرار داده و تغییر پذیر نیست. دین قیم توحید است و دینی است که قائم به مصالح مردم می‌باشد؛ مصالحی که اعم از اقامه‌ی نماز و پرداختن زکات و مسائلی چون دوازده‌گانه بودن ماه‌هاست.

حنیف

این ماده ۱۲ بار در قرآن کریم آمده و همه‌ی آیاتی که واژه‌ی حنیف در آن‌ها آمده، مکی متأخر و یا مدنی هستند. در بخش تقابل معنایی گذشت که واژه‌ی «حنیف» روند تغییری سه مرحله‌ای را طی کرده است:

۱. بدعت‌گذاری

۲. نامی برای گروهی دینی

۳. اصالت و سنت و راستی و درستی

از تأمل در آیات مربوط برمی‌آید که پیش از اسلام، حنیف به معنای نفی بت‌پرستی و تلاش برای یافتن دین حضرت ابراهیم بوده و اسم خاص است برای افرادی که در جستجوی دینی غیر از بت‌پرستی رایج بودند. به عبارت دیگر حنیفیت بیانگر نوعی صفت و اندیشه بود که یهود و نصارا و حتی مشرکان، مدعی اتصاف بدان بودند. اما حنیف و حنیفیت در کاربرد قرآنی به معنای مسلمان و اسلام است و از تقابل حنیف با شرک روشن می‌شود که مهم‌ترین رکن حنیفیت، توحید است و ابراهیم (علیه‌السلام) نمونه‌ی کامل و مثل‌اعلای حنیف دانسته شده است. در قرآن کریم با صراحت بر این نکته تأکید شده که ابراهیم (علیه‌السلام)، نه یهودی و مسیحی بود و نه مشرک و بت‌پرست، بلکه حنیف بود که بطلان شرک و بت‌پرستی را از راه تفکر و استدلال منطقی کشف نمود. این تصریح به دلیل آن بود که یهود و نصارا و مشرکان عرب، همه ادعای پیروی از دین ابراهیم (علیه‌السلام) را داشتند.

نکته‌ی دیگر این‌که دین حنیف در واقع، همان دین قییم و راستین است. علاوه بر آن، توحید محض به صورتی که حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) ارائه نموده است، دین طبیعی بشر است و اگر انسان‌ها از رهنمود فطرت خدادادی که در روحشان نهفته است پیروی کنند، همه به سوی این دین حنیف رهبری می‌شوند (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۹/۱۲۶).

عدم اکراه

واژه‌ی «اکراه» مصدر باب «افعال» از ریشه‌ی «کره» یا «کره» و به معنای «اجبار و یا تحمّل آنچه که برای فرد ناپسند و مشقت‌بار است»، است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۷۰۷). در «لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره/۲۵۶) به صورت منفی با واژه‌ی دین هم‌نشین شده است. در اثر این هم‌نشینی دین اجباری نفی شده است؛ چون کاربرد اکراه تنها در اعمال ظاهری است، اما اعتقاد قلبی برای خود، علل و اسباب دیگری از سنخ خود اعتقاد و ادراک دارد و محال است که مثلاً جهل، علم را نتیجه دهد و یا مقدمات غیر علمی، تصدیقی علمی را بزیاید (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۵۲۴). ادامه‌ی آیه، علت عدم اکراه در دین را بازشناخته شدن هدایت از گمراهی معرفی کرده است. «رشد» در لغت عبارت است از راه‌یابی و رسیدن به واقع، در برابر «غی» که به معنی انحراف از حقیقت و دور شدن از واقع است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۴). بنابراین «رشد» و «غی» اعم از هدایت و ضلالت هستند؛ زیرا هدایت به معنای رسیدن به راهی است که آدمی را به هدف می‌رساند و ضلالت هم نرسیدن به چنین راهی است و ظاهراً استعمال واژه‌ی «رشد» در رسیدن به راه اصلی و وسط آن از باب انطباق بر مصداق است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۲۳).

عدم حرج

«حَرَج» به معنای «تنگی و سختی» است. اصل «حرج»، محل جمع شدن شیء است که از آن تنگی به نظر می‌آید؛ بدین سبب به تنگی و گناه «حرج» نیز گفته می‌شود (راغب، ۱۴۱۲: ۲۲۶). همنشینی حرج با دین در قرآن کریم نیز با معنای سلبی واقع شده است (حج/۷۸). خداوند متعال هرگونه حرج و دشواری را از سر راه دین برداشت؛ چه حرج در خود احکام دین و چه حرج‌های عارضی و اتفاقی و این منتی از خداوند بر مؤمنین است. زیرا اگر به خود واگذار می‌شدند، هرگز از طرف خودشان به سعادت دین نائل نمی‌شدند. چیزی که هست خدا بر آنان منت نهاد و ایشان را برای دین حق از میان خلائق انتخاب نمود و جمع کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۸۲/۱۴).

دین در نسبت با خدا

دومین دسته از همنشین‌های واژه‌ی دین، شامل کارهایی است که خداوند متعال برای دین انجام می‌دهد.

اصطفاء

اصل این ماده «صفو» به معنای «خلوص شیء از ناخالصی» بوده (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۶۲/۷ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۸۷) و «اصطفاء» مصدر باب افتعال است که این باب دلالت بر قصد و اختیار دارد. بنابراین «اصطفاء» به معنای اختیار و انتخاب خیر و خوب و خالصانه شیء بوده (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۵۷/۶) که در قرآن کریم دلالت بر برگزیدگی دارد (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۳۶/۴).

این واژه ۱۷ مرتبه در قرآن به کار رفته است. در همنشینی آن با دین (بقره/۱۳۲)، دین معرفه به «ال» شده، یعنی دین مشخص و معینی برگزیده‌ی خداوند است. از مفاد

آیه و نیز سیاق آیات قبل و بعد برمی‌آید که این دین برگزیده، «اسلام» است و سفارش حضرت ابراهیم و یعقوب (علیهما السلام) به پسرانشان این است که خداوند برای شما «اسلام» را برگزیده است؛ پس نباید جز مسلمان بمیرید. البته باز با توجه به سیاق مشخص می‌شود که مراد آیه از اسلام در این جا، روح تسلیم و معنای اسم جنس اسلام است؛ وگرنه اسلام به معنای اسم ذات که دین پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) است که آن زمان هنوز واقع نشده بود.

اکمال

در سوره‌ی «مائده» خداوند متعال اکمال دین را به خود نسبت می‌دهد و در ادامه‌ی آن می‌فرماید: نعمت را هم بر شما تمام کردم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد (مائده/۳). از این هم‌نشینی می‌توان نتیجه گرفت که دین قابل کمال است و هم‌چنان که آیه‌ی شریفه می‌فرماید، خداوند آن را کامل می‌گرداند.

رضایت

در سوره‌ی «نور» وعده داده شده که مؤمنان جانشینان در زمین شده و برایشان دینی که مورد رضایت خداوند است، مستقر شود (نور/۵۵). نیز از دقت در هم‌نشینی «رَضِیتُ»، «الإِسْلَامَ» و «دیناً» (مائده/۳) آشکار می‌شود دین مرضی و پسندیده‌ی خداوند برای مؤمنان، اسلام است.

تشریح

«شرع» به معنای رفتن به راهی است که واضح و ایمن از انحراف باشد و به طور استعاره به طریقت‌های الهی اطلاق شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۰). در

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا...» (شوری/۱۳) به شریعت‌های پیامبران اولوالعزم اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که آنچه برای پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تشریح نمودیم، همان وصیت به پیامبران پیشین بود و آن اقامه‌ی دین و عدم تفرقه در آن بود. بنابراین هرچند شریعت‌ها متفاوت بوده، اما هدف همه‌ی شرایع اقامه‌ی یک دین بوده است. شرعه و منہاج در «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِّنْهَاجًا» (مائده/۴۸) نیز به همین معنا است. «نہج» به معنای طریق واضح است و ظاهراً فرقی میان شرعه و منہاج نیست و منہاج قید توضیحی است (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۷/۴).

بنابراین هرچند شریعت‌های انبیاء متفاوت‌اند، اما همه برای تبلیغ یک دین آمده‌اند و این تفاوت‌ها بر اساس استعدادها و زمان‌های مختلف است و شریعت طریقه‌ی خاصی است که برای امتی از امت‌ها و یا پیامبری از پیامبران تعیین و آماده شده باشد؛ مانند شریعت نوح، شریعت ابراهیم و شریعت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله). اما دین معنایی عمومی‌تر از کلمه‌ی شریعت دارد و به همین جهت است که شریعت نسخ می‌پذیرد، ولی دین به معنای عمومی‌اش قابل نسخ نیست.

البته در این میان فرق دیگری نیز بین شریعت و دین هست و آن این است که کلمه‌ی دین را می‌توان هم به یک نفر نسبت داد و هم به جماعت ولی کلمه‌ی «شریعت» را نمی‌شود به یک نفر نسبت داد؛ مگر آن‌که یک نفر آورنده آن شریعت و یا قائم به امر آن باشد. یعنی می‌توان گفت دین مسلمانان و دین یهودیان و نیز می‌شود گفت شریعت مسلمانان و یهودیان، هم‌چنان‌که می‌توان گفت دین و شریعت خدا و دین و شریعت محمد و دین زید (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/۵۷۴-۵۷۵).

پیروز ساختن

کار دیگری که خداوند برای دین انجام می‌دهد، پیروز ساختن دین حق بر همه‌ی ادیان است (توبه/۳۳؛ صف/۹؛ فتح/۲۸). از تقابل میان حق و باطل روشن می‌شود که دین حق یکی بیشتر نیست و هرچه دین غیر آن باشد، تماماً باطل است.

دین در نسبت با مؤمنان

دسته‌ی دیگر از واژگانی که در قرآن کریم بر روی محور همنشینی با واژه‌ی دین قرار گرفته‌اند، بیانگر وظایف مؤمنان نسبت به دین هستند.

اخلاص

از وظایفی که مؤمنان در برابر دین به عهده دارند، این است که دین خود را برای خداوند متعال خالص گردانند. «اخلاص» به معنای «صاف کردن و بی خلط نمودن» است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۲/۲۸۰) و اخلاص در دین، آن است که دین را از هر آمیختگی شرک بت پرستان و تثلیث نصارا و تشبیه یهود و مطلق غیر خدا، خالص و پاک گرداند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۲). از جمله کارهایی که خداوند از اهل ایمان می‌خواهد، این است که دین خود را برای خدا خالص کنند (زمر/۱۱ و ۱۴ و ۲؛ غافر/۱۴ و ۶۵؛ بینه/۵)؛ زیرا اخلاص در دین، به عنوان ویژگی مؤمنان مطرح شده است (نساء/۱۴۶).

تفقه

«تفقه» به معنای فهم و آگاهی در دین (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳/۳۷۰) است و از وظایف مؤمنان این است که گروهی از آنان برای تفقه و آگاهی در دین هجرت کنند (توبه/۱۲۲).

نصرت

از وظایف مؤمنان است که در امر دین دیگران را یاری رسانند (انفال/۷۲).

اقامه

سفارش خداوند به انبیای الهی، اقامه‌ی دین و پرهیز از ایجاد تفرقه در آن است و بر مؤمنان واجب است که دین خدا را به طور کامل به پا دارند و در انجام این وظیفه تبعیض قائل نشوند؛ به گونه‌ای که پاره‌ای از احکام دین را به پا بدارند و پاره‌ای را رها کنند (شوری/۱۳). اقامه کردن دین عبارت است از این‌که به تمامی آنچه که خدا نازل کرده و عمل بدان را واجب نموده، ایمان بیاورند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۹/۱۸). بنابراین مجموع شرایعی که خدا بر انبیاء نازل کرده، یک دین است که باید اقامه شود و در آن ایجاد تفرقه نکنند.

عدم رأفت

اهل دین در اجرای فرامین دین خداوند نسبت به مجرمین دلسوزی و ترحمی ندارند (نور/۲).

عدم غلو

از وظایف دیگر مؤمنان این است که از گزافه‌گویی و غلو در دین بپرهیزند. زیرا غلو در دین باعث انحراف است؛ همان‌گونه که مسیحیان به همین دلیل دچار انحراف در دین خود شدند (نساء/۱۷۱؛ مائده/۷۷).

دین در نسبت با کافران و منافقان

بخشی از همنشین‌های واژه‌ی دین در قرآن کریم، واکنش کافران و منافقان را در مواجهه با دین به تصویر می‌کشد. این موارد شامل: طعنه زدن (نساء/۴۶؛ توبه/۱۲)، به بازی گرفتن

(مائده/۵۷؛ انعام/۷۰؛ اعراف/۵۱)، متلبس شدن دین (انعام/۱۳۷)، ایجاد تفرقه (انعام/۱۵۹؛ روم/۳۲)، شک (یونس/۱۰۴)، ارتداد (مائده/۵۴) و افتراء (آل عمران/۲۴) است. از بررسی روابط همنشینی در حوزه‌ی این جهانی دین و دقت در واژگان همنشین، دین صحیحی که قرآن کریم به معرفی آن پرداخته، مشخص می‌شود. بر این اساس دین حق مورد نظر قرآن، امری ثابت و دائمی، «واصب» و دینی پایدار و «قیم» است که راه آن از تمام ادیان باطل جداست (حنیف) و پذیرش آن اجباری نیست و نمی‌توان کسی را مجبور به پیروی از آن نمود. «لااکراه» و سختی و حرجی در این دین قرار داده نشده است: «وَمَا جَعَلْ عَلَيْنَكُم فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج/۷۸). این دینی است که خداوند برای بندگانش برگزیده (اصطفاء) و به تشریح و تبیین آن پرداخته است (شرع). چنین دینی مورد رضایت خداوند است (رضیت)؛ بنابراین آن را کامل گردانیده (اکملت) و با این‌کار تمام کافران را از دخل و تصرف در آن مأیوس ساخته و به این ترتیب نعمت را بر مؤمنان تمام کرده (اتممت) و پیروزی آن را بر تمامی ادیان وعده داده است: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه/۳۳).

مؤمنان با خلوص نیت این دین را می‌پذیرند (مخلصین) و با عمل به اقامه‌ی آن می‌پردازند (اقیموا). آنان وظیفه‌ی خود را درک و فهم دین می‌دانند (لِيَتَفَقَّهُوْا) و در اجرای فرامین آن رأفتی به خود راه نمی‌دهند (وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ) و از عواملی که باعث گمراهی در دین می‌شود، از قبیل اغراق و «غلو» دوری می‌کنند. در مقابل، کافران دین را به بازی گرفته (هُزُواً وَ لَعِباً)، آن را مورد کنایه و طعنه قرار می‌دهند (طعنوا). در آن «شک» می‌کنند. برخی را قبول و برخی را رد می‌کنند و تفرقه‌افکنی می‌کنند (فرقوا) و یا به خاطر نفاق مرتد می‌شوند (يُرْتَدُّ). نتیجه‌ی کارهایی که در

مخالفت با دین حق انجام داده‌اند سبب متلبس شدن دین بر آنان شده (لِیْلِیسُوا) و به خیال خودشان این امور در جهت آزاد شدن آنان از عذاب است (یَقْتَرُونَ).

۴-۲-۴. رابطه جانشینی^۱

درباره‌ی «رابطه‌ی جانشینی» در حوزه‌ی معنایی دین در قرآن کریم، می‌توان به جانشینی میان آیه‌ای در سوره‌ی «یوسف» و سوره‌ی «روم» اشاره کرد که به روشن‌نمایی معنای دین قیّم می‌انجامد.

در سوره‌ی «یوسف» چنین آمده که: حکمی جز فرمان خداوند متعال نیست و او فرموده که جز او را نپرستید و این دین قیّم است، اما اکثر مردم نمی‌دانند (یوسف/۴۰). سوره‌ی «روم» نیز بیان می‌کند که: دین قیّم همان فطرتی است که خداوند سرشت انسان‌ها را بر آن بنا نهاده، ولی اکثر مردم این را نمی‌دانند و رو آوردن به دین حنیف، همان فطرت الهی انسان‌هاست و این، همان دین قیّم است که عدم دانایی مردم مانع از پذیرش آن می‌شود. (روم/۳۰). بنابراین این آیه‌ی شریفه، رابطه‌ی مستقیم میان دین قیّم و دین حنیف را نیز به تصویر می‌کشد.

بر اساس رابطه‌ی جانشینی می‌توان گفت دستور به توحید و پرهیز از بت‌پرستی همان اقامه‌ی دین حنیف است که دین فطری انسان‌هاست و آفرینش انسان‌ها بر همین اساس است. این همان معنای دقیق دین قیّم است.

از ادامه‌ی بررسی آیات مربوط به دین، نمونه‌ی دیگری برای رابطه‌ی جانشینی در این حوزه یافت نگردید. این مطلب حکایت‌گر آن است که واژه‌ی دین در قرآن کریم

۱. هر یک از واژه‌های یک عبارت، علاوه بر روابطی که در سطح جمله و عبارت با یکدیگر دارند، با اجزای دیگری که فعلاً در آن جمله و عبارت نیستند نیز ارتباط دارند. رابطه‌ی اجزای حاضر در یک عبارت با اجزای غائب را «رابطه‌ی جانشینی» می‌گویند (باقری، ۱۳۷۴: ۷۰).

جانشینی ندارد. شاید در نگاه نخست به نظر برسد واژگانی مانند «ملت»، «شریعت» و «منهاج» که بسیاری از مترجمان و مفسران قرآن کریم با معنای دین از آن‌ها یاد نموده‌اند، می‌توانند جانشین معنایی دین در قرآن کریم واقع شوند؛ اما رابطه‌ی جانشینی در اسلوب خاصی صورت می‌پذیرد و بررسی آیات بیانگر آن است که نمی‌توان این رابطه را در سایر آیات مربوط به دین برقرار کرد.

۵. معنای دین بر اساس تحلیل مؤلفه‌ای

از تحلیل روابط مفهومی و معناشناسی هم‌زمانی و در زمانی واژه دین در قرآن کریم، می‌توان گفت دین مفهوم عام و شاملی است که مقابل و جانشینی ندارد. اما در حوزه‌ی این جهانی دین، گونه‌ها و مدل‌هایی وجود دارد که زیرشمول این مفهوم قرار می‌گیرند. دین الله، دین حق، اسلام، دین مؤمنان، دین کافران و مشرکان، دین منافقان و دین اهل کتاب، مدل‌های مختلفی از دین‌اند که قرآن کریم بدان‌ها اشاره نموده است.

اساس دین الله، تسلیم محض در برابر اراده‌ی الهی است که به این معنا دین تمام انبیای الهی، اسلام است. نیز دین حق با اسلام به معنای ذات مطابقت دارد و مؤلفه‌های آن عبارتند از: ایمان به خدا و روز قیامت، اجرای احکام الهی (توبه/۲۹) و پیروزی نهایی (توبه/۳۳، صف/۹ و فتح/۲۸).

برخی از گونه‌ها و زیرشمول‌های دین در قرآن کریم، در تقابل با هم هستند. مثلاً دین حنیف و دین خالص در مقابل دین مشرکان و بت‌پرستان است (بقره/۱۳۵)، انعام/۷۹، نحل/۱۲۰ و عنکبوت/۶۵). دین حق در مقابل ادیان باطل قرار دارد و دینی که پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله - برای بشریت ارائه نموده در مقابل دین کافران است (کافرون/۶).

اما دینی که قرآن کریم به معرفی و تبلیغ آن پرداخته، دین ثابت (روم/۳۰)، پایدار و دائمی (نحل/۵۲) است که کسی مجبور به پذیرش آن نیست (بقره/۲۵۶) و انتخاب آن از روی اختیار است و البته اگر کسی آن را پذیرفت به سختی و حرج نمی‌افتد (حج/۷۸). اساس این دین، تسلیم (آل عمران/۱۹) در برابر حق و توحید بوده و مورد رضایت خداوند است (مائده/۳). از همین رو، آن را برای سعادت بندگان برگزیده (بقره/۱۳۲) و کامل نموده (مائده/۳) و جزئیاتش را برای آنان تبیین نموده است (بینه/۵). همچنین این دین، دین پیروز نهایی است که سعادت جهانیان را تضمین می‌کند (توبه/۳۳، فتح/۲۸ و صف/۹). مؤمنان، خالصانه فرامین آن را برپا می‌دارند (زمر/۲، نساء/۱۴۶ و بینه/۵) و نسبت به فهم و درک آن پیگیرانه در تلاش‌اند (توبه/۱۲۲). در اجرای اوامر آن رأفت و دلسوزی نسبت به کسی روا نمی‌دارند (نور/۲) و از عواملی که سبب انحراف و گمراهی در آن می‌گردد، دوری می‌جویند (مائده/۷۷ و نساء/۱۷۱). اما کافران و منافقان درباره‌ی این دین، شک و تردید داشته (یونس/۱۰۴) و آن را به شوخی و بازی گرفته (مائده/۵۷ و اعراف/۵۱)، در آن تفرقه‌افکنی کرده (انعام/۱۵۹ و روم/۳۲) و به آن دروغ می‌بندند (آل عمران/۲۴).

از زیرشمول‌های واژه‌ی دین در قرآن کریم دین حق است که مؤلفه‌های آن عبارتند از: ایمان به خدا و روز قیامت (توبه/۲)، اجرای احکام و فرامین الهی (بینه/۵، توبه/۲۹، زمر/۱۱ و ۱۲ و آل عمران/۱۹ و ۸۳) و پیروزی نهایی (حشر/۲۲-۲۴).

در مؤلفه‌ی نخست اعتقاد به آفریدگار بیان می‌شود که در نظام قرآنی این آفریدگار به خوبی معرفی شده‌است. در مؤلفه‌ی دوم اعتقاد به معاد مطرح است؛ این موضوع نیز از موضوعات مبنایی که قرآن کیفیت و چگونگی حوادث و مسائل مربوط به آن را به تصویر کشیده است. مؤلفه‌ی سوم در واقع ارائه‌ی راه و روشی برای زندگی

است و مسائلی نظیر اقامه‌ی نماز، پرداخت زکات (بینه/۵)، عدم رأفت نسبت به مجرمان (نور/۲)، حرام دانستن آنچه خداوند حرام کرده (توبه/۲۹)، عبادت خداوند (زمر/۱۱ و ۲/۵) و تسلیم محض و انقیاد کامل (آل‌عمران/۱۹ و ۸۳) در برابر فرامین الهی، در این بخش قرار می‌گیرد. بر اساس چهارمین مؤلفه، پیروزی نهایی از آن دین خواهد بود (توبه/۳۳).

از آن‌جا که در رابطه‌ی شمول معنایی، واژه‌ی شامل از مؤلفه‌های کمتری نسبت به زیرشمول‌های خود برخوردار است و به عبارت دیگر واژه‌ی شامل نسبت به زیرشمول‌های خود کلی‌تر است (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۰۰)، به نظر می‌رسد می‌توان از تحلیل مؤلفه‌های دین حق، مؤلفه‌های واژه دین را نیز به دست آورد.

قرآن کریم تعبیر عامی و شاملی از واژه‌ی دین دارد که علاوه بر دین حق، دین‌های دیگر را نیز دربرمی‌گیرد. هرچند ممکن است در برخی دین‌ها اعتقاد به خدا و باور معاد وجود نداشته باشد، اما عدم ایمان به خداوند و عدم اعتقاد معاد نیز خود نوعی عقیده و باور است. از این‌رو می‌توان گفت در همه‌ی ادیان نوعی اعتقاد و باور نسبت به آغاز و فرجام زندگی وجود دارد. اجرای احکام و فرامین الهی در دین حق، راه و روشی است که زندگی پیروان این دین را تنظیم می‌کند. ادیان دیگر نیز به هر حال احکام و فرامین و روشی برای خود در زندگی دارند.

آخرین مؤلفه‌ی دین حق، پیروزی نهایی است. اما این مؤلفه ویژه‌ی دین حق است و در آیات مختلف تأکید شده که دین حق بر همه‌ی ادیان پیروز خواهد بود. از این‌رو این خصوصیت را نمی‌توان به گونه‌ای شمولی و عام مطرح نمود. بنابراین با حذف ویژگی‌های مربوط به دین حق، مؤلفه‌های معنایی دین به صورت زیر خواهد بود:

۲. باور درباره‌ی مرگ، رستاخیز و برانگیخته شدن و زندگی پس از مرگ

۳. راه و روشی در زندگی برای تنظیم رفتار و کردار.

از دقت در این مؤلفه‌ها، به نظر می‌رسد بتوان بر مبنای این یافته‌های قرآنی، معنای اساسی دین را نیز تبیین نمود. دین شامل دو بخش «نگرش» و «روش» در زندگی است. «نگرش» حاصل دو مؤلفه‌ی نخست، یعنی عقیده و باور پیرامون مبدأ و معاد است و «روش» نیز همان مؤلفه‌ی سوم است. بنابراین دین مجموعه‌ای از نگرش‌ها و روش‌هایی است که زندگی انسان‌ها را تنظیم می‌کند. نگرش نسبت به دو مسأله‌ی جدی آغاز و فرجام زندگی و باورها و عقاید پیرامون آن و روشی که بر اساس آن نگرش، زندگی این جهان تنظیم می‌شود. این امر مقوله‌ای است که در زندگی همه‌ی انسان‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر زندگی افراد بر مبنای نگرش و باورمندی آن‌ها درباره‌ی آغاز و پایان زندگی و راه و روشی که براساس آن باورها برمی‌گزینند، تنظیم می‌شود و اعمال و رفتار انسان‌ها بازتاب این نگرش و روش انتخابی است و این همان دین است که بر اساس آیات قرآن کریم در زندگی همه‌ی انسان‌ها وجود دارد و هیچ‌کس بی‌دین نیست.

این معنای اساسی، همه‌ی معانی این جهانی دین را دربرمی‌گیرد و شامل همه‌ی گونه‌ها و مدل‌های دین می‌گردد. به طوری که مثلاً دین مؤمنان، نگرش و روش مؤمنان و دین کافران یا مشرکان، نگرش و روش آنان در زندگی است. همچنین معانی نسبی دین، مانند توحید، حکم، عبادت، عادت، اسلام و... نیز هرکدام به نوعی به نگرش یا روش و یا مجموع آن دو برگشت می‌کنند. بر این اساس منظور از معنای جزا و پاداش در حوزه‌ی آخرتی نیز، جزا و پاداش برای اعمال و رفتاری است که انسان‌ها بر مبنای نگرش‌ها و روش‌های خود در زندگی مرتکب شده‌اند.

نتیجه‌گیری

کاربردهای واژه دین در قرآن کریم در دو حوزه قابل تفکیک است؛ استعمال واژه دین در معنای جزا و پاداش در حوزه آخرتی که معنای داوری و جزا را در کاربردهای پیش از اسلامی این واژه یادآوری می‌نماید و توجه به خصوصیات و ویژگی‌های سوره‌های مکی، معنای دین را در این حوزه شفاف‌تر می‌سازد.

بررسی تاریخی «حوزه‌ی این جهانی دین» نمایانگر آن است که دین در این حوزه معنای کلی و عامی دارد. زیرا از سویی قرآن کریم دین پیامبراکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله - را که دارای ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های ظریفی است، دین می‌داند و از سوی دیگر درباره‌ی کافران و مشرکان و اهل کتاب که عقایدی متفاوت از مسلمانان داشتند، تعبیر دین را به کار می‌برد. علاوه بر آن در این سیر تاریخی مفهوم دین در خود جامعه‌ی اسلامی نیز از ویژگی‌ها و پیچیدگی‌هایی برخوردار می‌گردد.

بر اساس مطالعه‌ی توصیفی حوزه‌ی معنایی این جهانی، در قرآن کریم، دین مفهوم عام و شاملی است که بر اساس رابطه‌ی «شمول معنایی» دین الله، دین اسلام، دین حق، دین مؤمنان، دین کافران و مشرکان، دین منافقان و دین اهل کتاب، گونه‌های مختلف آن هستند. بر مبنای رابطه‌ی «جانشینی» و «تقابل معنایی» واژه‌ی دین در قرآن مقابل و جانشینی ندارد. اما برخی از گونه‌ها و زیرشمول‌های دین در قرآن کریم، در تقابل با هم هستند. رابطه‌ی «همنشینی» در حوزه‌ی این جهانی، دین صحیح و مورد نظر قرآن کریم را معرفی می‌نماید. بر این اساس، دین ثابت، پایدار و دائمی است که کسی مجبور به پذیرش آن نیست و انتخاب آن از روی اختیار است و البته اگر کسی آن را پذیرفت، به سختی و حرج نمی‌افتد. اساس این دین تسلیم در برابر حق و توحید بوده و این دینی است که مورد رضایت خداوند بوده و آن را برای سعادت بندگان برگزیده و کامل نموده و جزئیاتش را برای آنان تبیین فرموده است. همچنین دین

نهایی که بر همه‌ی ادیان پیروز است، همین دین است. مؤمنان، خالصانه فرامین آن را برپا می‌دارند و نسبت به فهم و درک آن پیگیرانه در تلاش‌اند. در اجرای اوامر آن رأفت و دلسوزی نسبت به کسی روا نمی‌دارند و از عواملی که سبب انحراف و گمراهی در آن می‌گردد، دوری می‌جویند. اما کافران و منافقان درباره‌ی این دین، شک و تردید داشته و آن را به شوخی و بازی گرفته، در آن تفرقه‌افکنی کرده و به آن دروغ می‌بندند.

معنای اساسی دین در سراسر حوزه‌های معنایی این جهانی و نیز آخرتی، «نگرش و روش» است. به نظر می‌رسد با وضوح و کشف این معنای اساسی، می‌توان گفت دین مجموعه‌ی نگرش انسان‌ها نسبت به دو مسأله‌ی جدی آغاز و فرجام - مبدأ و معاد- و راه و روشی متأثر از آن نگرش برای زندگی است.

کتابنامه

کتاب مقدس.

آوسی سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، (۱۵ج)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابن عاشور محمد بن طاهر (بی‌تا). التحریر و التنویر، (۳۰ج)، بی‌جا: بی‌نا.
ابن فارس (۱۴۲۰ق، ۱۹۹۹م). معجم مقاییس اللغة، (۲ج)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابن قتیبه (۱۳۹۳ق، ۱۹۷۳م). تأویل مشکل القرآن، محقق: سید احمد صدق، قاهره: دار التراث.
ابن منظور (۱۴۱۴ق). لسان العرب، (۱۵ج)، محقق: علی شیری، بیروت: دارالفکر.
ابی تمام، حبیب بن اوس الطائی (بی‌تا). دیوان الحماسه، محقق: عبدالمنعم احمد صالح، بغداد: دارالشؤون الثاقبة العامة.

ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۱). خدا و انسان در قرآن، مترجم: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
باقری، مه‌ری (۱۳۷۴). مقدمات زبان‌شناسی، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان، (۴ج)، بیروت: داراحیاء التراث.

مؤلفه‌های معنایی واژه دین در قرآن کریم / نرگس بزرگ‌خو ۴۷

بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۸۷). همگام با وحی (نخستین تفسیر جامع شیعی به ترتیب نزول سوره‌های قرآن براساس روایت ابن‌عباس)، قم: سبط‌النبی.

بهرامی، احسان (۱۳۶۹). فرهنگ واژه‌های اوستا، (۴ج)، تهران: نشر بلخ وابسته به بنیاد نیشابور.
پالمر، فرانک‌ر. (۱۳۶۶). نگاهی تازه به معنی‌شناسی، مترجم: کورش صفوی، تهران: نشر مرکز.
تعالی، ابن‌منصور (۴۱۷ق). فقه اللغة و سر‌اللغة، محقق: فائز محمد، بیروت.
جفری، آرتور (۱۳۷۲). واژه‌های دخیل در قرآن مجید، مترجم: فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات توس.
جوهری فارابی، ابونصر (۱۴۱۸ق، ۱۹۹۸م). الصحاح، (۷ج)، محقق: شهاب‌الدین ابوعمرو، بیروت: دارالفکر.

چسون، جین (بی‌تا). زبان‌شناسی همگانی، مترجم: حسین وثوقی، بی‌جا: انتشارات علوی.
حسین احمد، عبدالرزاق (۴۲۰ق). المکی و المدنی فی القرآن الکریم، (۲ج)، قاهره: دار ابن عفان.
حسینی شیرازی، سیدمحمد (۱۴۲۴ق). تقریب القرآن الی الاذهان، (۵ج)، بیروت: دارالعلوم.
درآز، محمد عبدالله (۱۳۷۶). مدخلی برکاوش در تاریخ ادیان، مترجم: محمد باقر حجتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

دوستخواه، جلیل (۱۳۷۵). اوستا کهن‌ترین سرودهای ایرانیان، (۲ج)، تهران: انتشارات مروارید.
دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱). لغت‌نامه، تهران: شرکت چاپ افست گلشن.

راب. ا. کهن (۱۳۵۰). گنجینه‌ای از تلمود، به اهتمام حسین صدری‌پور، بی‌جا: چاپ‌خانه‌ی زیبا.
راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق). مفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم.

ساعده‌بن‌جویه (۱۳۸۵ق). دیوان‌الهدلیین، (۳ج)، قاهره: دارالقومیه لطباعة و النشر.
سید بن قطب (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن، (۶ج)، بیروت؛ قاهره: دارالشروق.

شرطونی (۱۳۷۴). اقرب‌الموارد فی فصیح‌العربیة و الشوارد، (۵ج)، تهران: منظمه‌الاقواف و الشؤون‌الخیریه.

شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۱). مبانی معناشناسی نوین، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت).

صافی، محمودبن‌عبدالرحیم (۱۴۱۸ق). الجدول فی اعراب القرآن، (۳۰ج)، دمشق، بیروت: دارالرشید مؤسسه‌الایمان.

- صفوی، کورش (۱۳۷۹). درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه‌ی هنری.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیرالمیزان، (۲۰ج)، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). جوامع‌الجامع، (۶ج)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.
- _____ (۱۳۶۰). مجمع‌البیان، (۲۷ج)، مترجم: گروه مترجمان، تهران: انتشارات فراهانی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق). جامع‌البیان، (۳۰ج)، بیروت: دارالمعرفة.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع‌البحرین، (۶ج)، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- طهماسبی، علی (۱۳۷۹). دغدغه‌های فرجامین، تهران: نشر یادآوران.
- عفیفی، رحیم (۱۳۸۷). ارداویراف‌نامه، تهران: چاپ نظر.
- علی، جواد (۱۹۷۸م). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، (۱۰ج)، بیروت: دارالعلم للملایین.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب‌العین، (۸ج)، قم: انتشارات هجرت.
- قرشی، ابی‌زید محمد بن ابی‌الخاطب (۱۴۱۹ق، ۱۹۹۹م). جمهرة اشعار العرب فی الجاهلیة و الاسلام (۲ج)، محقق: محمد علی هاشمی، دمشق: دارالعلم، بیروت: دارالشامیة.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی، (۲ج)، قم: دارالکتاب.
- گنابادی، سلطان محمد (۱۳۷۲). بیان السعادة فی مقامات العبادة، (۱۴ج)، مترجم: خانی رضا و حشمت‌الله ریاضی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- مدرسی، سیدمحمدتقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن، (۱۸ج)، تهران: دارالمحبی‌الحسین.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کتاب القرآن‌الکریم، (۱۴ج)، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مقدی قیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵ق). مصباح‌المنیر، (۲ج)، قم: دارالهجره.
- میبدی، رشیدالدین (۱۳۷۱). کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار، (۱۰ج)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- واسطی زبیدی، محب‌الدین (۱۴۱۴ق، ۱۹۹۴م). تاج‌العروس من جواهر القاموس، (۲۰ج)، محقق: علی شیری، بیروت: دارالفکر.

Bibliography

Holy Qur'an.

The Bible.

Alousi Seyyed Mahmud, (1415 AH) *Ruhol al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem* (15th volume), Beirut, Dar al-Kitab al-Alamieh, first edition.

Ibn Ashur Muhammad bin Tahir, () *al-Tahrir wa al-Tanweer* (30 vols), Bija, bina.

Ibn Fars, (1420 A.H., 1999 AD) *Ma'ajm Maqays al-Lugha* (2 vol.), Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiyeh, first edition.

Ibn Qutiba, (1393 A.H., 1973 AD) *Taweel Mashal al-Qur'an*, researcher: Seyyed Ahmad Saqd, Cairo, Dar al-Tarath, second edition.

Ibn Manzoor, (1414 AH) *Lasan al-Arab* (15 c), researcher: Ali Shiri, Beirut, Dar al-Fakr, third edition.

Abi Tamam Habib bin Aws al-Ta'i, (WD) *Al-Hamasa Diwan*, Researcher: Abd al-Moneim Ahmad Saleh, Baghdad, General Affairs Office.

Izutsu Toshihiko, (1381SH) *God and Man in the Qur'an*, translator: Ahmad Aram, Tehran, publishing company, fifth edition.

Bagheri Mehri, (1374SH) *Introduction to Linguistics*, Tabriz, Tabriz University Publications, third edition.

Balkhi Muqatil ibn Suleiman, (1423 AH) *Tafsir of Muqatil ibn Suleiman* (4th volume), Beirut, Darahiya al-Turath, first edition.

Behjatpour Abdul Karim, (1387SH) *Synchronous with revelation* (the first comprehensive Shiite commentary on the order of revelation of the Qur'anic surahs based on the narration of Ibn Abbas), Qom, Subt al-Nabi, 2nd edition.

Bahrami Ehsan, (1369SH) *Dictionary of Avesta words* (4 vols), Tehran, Balkh publishing house affiliated with Neishabur foundation, first edition.

Palmer Frank R. (1366SH) *A new look at semantics*, translator: Koresh Safavi, Tehran, publishing center, first edition.

Tha'alabi Ibn Mansour, (1417 AH) *Fiqh al-Laghah and Surr al-Arabiya*, researcher: Fayez Muhammad, Beirut, third edition.

Geoffrey Arthur, (1372SH) *Words included in the Holy Qur'an*, translator: Feridon Badrei, Tehran, Tos Publications, first edition.

Johari Farabi Abu Nasr, (1418 AH, 1998 AD) *Al-Sahah* (7 vols), researcher: Shahab al-Din Abu Amr, Beirut, Dar al-Fakr, first edition.

Chason Jin, (WD) *General Linguistics*, translator: Hossein Vathouqi, Bija, Alavi Publications, third edition.

Hossein Ahmed Abd al-Razzaq, (1420 AH) *Makki and al-Madani in the Holy Qur'an* (2c), Cairo, Dar Ibn Affan, first edition.

Hosseini Shirazi Seyyed Muhammad, (1424 AH) *Taqam al-Qur'an al-Azhan* (5th volume), Beirut, Dar al-Uloom, first edition.

Darraz Mohammad Abdallah, (1376SH), an entry in the history of religions, translator: Mohammad Baqer Hojjati, Tehran, Farhang Islamic Publishing House, first edition.

- Dostkhah Jalil, (1375SH) Avesta, the oldest hymns of Iranians (2 volumes), Tehran, Marwarid Publications, third edition.
- Dehkhoda Ali-Akbar, (1341SH) Dictionary, Tehran, Golshan Offset Printing Company.
- Rob. A. Kohn, (1350 AH) A treasure of Talmud, by Hossein Sadripour, Ziba printing house.
- Raghab Esfahani, (1412 AH) Vocabulary in Gharib al-Qur'an, Damascus, Darul Alam.
- Saedeh Bin Juwayh, (1385 AH) Diwan Al-Hadhliyin (3 vols.), Cairo, Dar Al-Qoumieh for Printing and Publishing.
- Sayyid Ibn Qutb, (1412 AH) in the Shadows of the Qur'an (6th volume), Beirut, Cairo, Dar al-Shurouq, 17th edition.
- Shartouni, (1374SH) Akbar al-Mawdar in Fashah al-Arabiyyah and Al-Shaward (5 vols.), Tehran, first edition.
- Shoairi Hamidreza, (1381SH) New Semantic Foundations, Tehran, Organization for the Study and Compilation of Books on Human Sciences and Universities (Samt), first edition.
- Safi Mahmud bin Abd al-Rahim, (1418 AH) Al-Jadaal fi Arab al-Qur'an (30 c), Damascus, Beirut, Dar al-Rashid, Al-Iman Institute.
- Safavi Koresh, (1379SH) An income on semantics, Tehran, Islamic Propaganda Organization, Art Field, first edition.
- Tabatbayi Mohammad Hossein, (1374SH) Tafsir al-Mizan (20 vols), translator: Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, Qom, Publishing House of the Qom Seminary Society of Teachers, fifth edition.
- Tabarsi Fazl bin Hasan, (1377SH) Jameed al-Jamei (6 vols), Mashhad, Astan Quds Islamic Research Foundation, second edition.
- , (1360 AD) Al -Bayyan Assembly (27c), Translator: Translators, Tehran, Farahani Publications, First Edition.
- Tabari Muhammad bin Jarir, (1412 AH) Jame al-Bayan (30 c), Beirut, Dar al-Marafeh, first edition.
- Tarihi Fakhreddin, (1375SH) Majmaul-Bahrin (6th volume), Tehran, Mortazavi bookstore.
- Tahmasabi Ali, (1379SH) Farjamine's Concerns, Tehran, Yadavaran Publishing House, first edition
- Afifi Rahim, (1387SH) Ardavirafnameh, Tehran, Nazar, first edition.
- Ali Javad, (1978 AD) al-Mafsal fi Tarikh al-Arab before Islam (10 vols), Beirut, Dar al-Alam Lal-Malayin, second edition.
- Farahidi Khalil bin Ahmad, (1410 AH) Kitab al-Ain (8 vols), Qom, Hijrat Publications, second edition.
- Qurashi Abizaid Muhammad bin Abi al-Khatib, (1419 AH, 1999 AD) Collection of Arab Poems in Jahiliyyah and Islam (2 vols), researcher: Muhammad Ali Hashemi, Damascus, Dar al-Alam, Beirut, Dar al-Shamiya, third edition.

مؤلفه‌های معنایی واژه دین در قرآن کریم / نرگس بزرگ‌خو ۵۱

- Qommi Ali bin Ibrahim, (1367SH) Tafsir Qommi (2c), Qom, Darul Kitab, 4th edition.
- Gonabadi Sultan Mohammad, (1372SH) Bayan al-Saadah fi Maqamat al-Ibadah (14c), translator: Khani Reza and Heshmatullah Rithi, Tehran, Payam Noor University Printing and Publishing Center, first edition.
- Madrasa Sayyid Mohammad Taqi, (1419 AH) Man Hoda al-Qur'an (18 vol.), Tehran, Darul Mohebi al-Hussein, first edition
- Mostafavi Hassan, (1360SH) Al-Habiq fi Kitab al-Qur'an al-Karim (14 vols), Tehran, Book Translation and Publishing Company.
- Moqdi Qayyumi Ahmad bin Muhammad, (1405 AH) Misbah al-Munir (2nd volume), Qom, Dar al-Hijrah, first edition.
- Meybadi Rashiduddin, (1371SH) Kafsh al-Asrar and Ade al-Abrar (10 vols), Tehran, Amir Kabir Publications, 5th edition.
- Wasti Zubeidi Mohebuddin, (1414 AH, 1994 AD) Taj al-Arus Man Javaher al-Qamoos (20 volumes), researcher: Ali Shiri, Beirut, Dar al-Fakr.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی